

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ جون ۲۰۲۲

"ما را به خیر تو امیدی نیست، شر مرسان!"

چهارشنبه - ۰۸ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: وقتی ۴۵-۴۶ سال قبل به کارته مأمورین کوچ نمودیم، هرچند که رفت و آمد موثر ها، برای من که در فضای باز و آزاد شکر دره بزرگ شده بودم، اندکی از آزادی هایم را کم نموده بود، مگر موجودیت باغ بالا با چهار لایه درختان نسترنش که در هنگام بهار حین قدم زدن انسان را به وجد می آورد، هتل انترکانتیننتال که از دور به ما می فهماند که طبقه ما را بدان راهی نیست و همچنان "پولی تخنیک" با وسعت و زیبایی اش همیشه برایم جالب بود.

یادم می آید پدرم که احساس می نمود من و برادرانم زیاد از این خانه لوکس راضی نیستیم و همیشه دل ما به هوای شکر دره و باغ نسبتاً پاکیزه و پر میوه ما پرپر می زد، عصر وقتی از کار بر می گشت دست ما را گرفته، با به طرف باغ بالا می برد و یا هم در محوطه پولی تخنیک رفته یا در کنار حوض آن به تماشا می ایستادیم و یا هم در جمنازیم ورزشکاران و گاهی هم مسابقه والی بال و یا باسکتبال را به نظاره می نشستیم.

این رفت و آمد به پولی تخنیک به مرور زمان با بیشتر شدن سن ما، فزونی یافته زمانی رسید که خود می توانستیم مستقلانه به چند تن دیگر از همسالان ما به تنهایی آنجا رفته یا در میدان فوتبال آن با سایر بچه های کارته مأمورین که کم هم نبودیم فوتبال نمائیم و یا هم با اجازه در حوض به جای شنا "بقه بازی" نمائیم. این مناسبات یک نوع الفت و محبت خاصی را بین خودم و پولی تخنیک به وجود آورد. چنانچه بعد ها وقتی توانستم بر مبنای محل تولد استحقاق شمول در ليله را بیابم با هزار واسطه و وسیله خود را از لیلیه مرکزی به لیلیه پولی تخنیک منتقل ساختم.

با انتقال به لیلیه پولی تخنیک، هرچند با خانه خیلی نزدیک شده بودم و ضرب المثل "هذا خانه، هذا مسجد" در مردم صدق می نمود مگر فضای سیاست زده آنجا که همزمان بود با آخرین سالهای حاکمیت نوکران روس و استفاده های سیاسی از تالار آن بود، تا حد زیادی من را در داخل اتاق خودم و سه تن دیگر از هم اتاقی هایم تجرید نمود. این تجرید با جنگهای داخلی و در کل کارته مأمورین و کوتل باغ بالا به مثابه خط اول جنگ بین "شورای نظار-جمعیت- اتحاد سیاف" در یک سو و "حزب وحدت" در طرف دیگر، نه تنها باعث شد تا بین من و پولی تخنیک فاصله بیفتد بلکه در یک مقطع ناگزیر شدید خانه را گذاشته، همه مرد و زن، پیرو و جوان و کودک خود را به سینمای آریوب و از آن پاننتر درمسال و سرانجام به خیر خانه منزل دوستان برسانیم، تا همان میشی نگردیم که حین جنگ بین دو قوچ، پایش شکسته بود.

با اشغال خونبار افغانستان به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء هرچند پولی تخنیک مجدداً فعال شد، مگر آن رابطه قبلی بین من و آن تعمیر باشکوه که صد ها خاطره نیکو از آن داشتم، نتوانست مانند قبل احیاء گردد. هنوز دیری از اشغال نگذشته بود که متوجه شدیم در داخل محوطه آنجا، باز ساخت و سازی را المانها شروع کرده اند در آغاز فکر نمودیم احتمالاً اینها کسانی اند که در المان شرق زیر دست روسها بزرگ شده اند و اینک که دیگر شوروی نیست و روسها توان این را ندارند تا پولی تخنیک را قسمی توسعه دهند که ساختمان های جدید، زیبایی نخستین را از بین نبرد، آن را به کسانی از المان شرقی ها سپرده اند تا کار قبلی را انکشاف دهند.

وقتی پرسان نمودیم، جواب گرفتیم که خیر اینطور نیست، آنها قرار است برای تجمعی از لاشخوران، تالاری اعمار نمایند تا در آنجا جلسات شان را برگزار کنند. این یعنی اشغالگران، آگاهانه یک مرکز تجمعات سیاسی را در یک محیط دانشگاهی و آموزشی انتقال دادن. این یعنی به خطر انداختن جان هزاران محصل نهاری و لیلیه در کشوری که جنگ قدرت در آن با تمام شدت ادامه دارد.

تدویر چند لویه جرگه ساختگی و نمایشی که هیچ دستاوردی برای توده های میلیونی ما نداشت و فقط تلاشی بود مذبحانه در جهت مشروعیت بخشیدن اشغال و قانونیت بخشیدن حاکمیت پوشالی، فاصله ایجاد شده بین من و پولی تخنیک را بیشتر ساخته، علی رغم تمام نزدیکی محل سکونت به آنجا، سالهاست که دیگر نه در جمنازیم آن رفته ام و نه هم به حوض آب بازی آن.

اما از یک هفته بدین سو که طالب و نظام ملاسالار تصمیم گرفتند تا باغ وحش موقتی را در آنجا تشکیل داده و نامش را بگذارند، اجلاس "علمای دین" و زیر نام تأمین امنیت کوچه ها و خانه های ما را تحت مراقبت شدید قرار داده اند و با هر آمد و رفتی، چیزی نمانده، سوال های "انکر و منکر" را نیز از صاحبان خانه بپرسند، هرچند من خودم روی دلایل امنیتی در طول هفته، همان "الف سرگردانی شده ام که دنبال ب هستم" و اصلاً به آنجا رفت و آمد ندارم، اما مزاحمت هائی برای خانواده ها به وجود آورده اند و تلاشی پشت تلاشی را باید تحمل نمایند، چیزی نمانده محبتی را که در گذشته ها به پولی تخنیک داشتم به نفرت از آن مبدل بسازد.

هموطنان گرامی!

از قبل روشن است که باغ وحش کنونی هیچ تفاوت کیفی نسبت به "طویله زمان اشغالگران" ندارد، اگر هم داشته باشد در جهت منفی آن است. یعنی در حالی که در طویله های گذشته، حد اقل یکی دو باسواد خاین وجود داشت، مگر اینک نه تنها از آن یکی دو تن هم خبری نیست بلکه در خیانت و جنایت، دست گذشتگان شان را نیز بسته اند.

هموطنان گرامی!

از همین حالا کاملاً روشن است که این باغ وحش جدید، به جز خوش چریدن و خودشان را رسمیت بخشیدن، کوچکترین گامی در جهت اعاده حقوق دموکراتیک مردم ما، رفع تبعیضات ضد انسانی علیه زنان و اصولاً خلق افغانستان را به مثابه انسان شناختن و حق و حقوقی برای شان قابل شدن، نخواهد برداشت. از همین رو در حالی که تقریباً خواست اکثریت مردم را بیان می دارم "ما را به خیری تو امیدی نیست، شمرسان!" صریحاً به آن می گویم: گورتان را از پولی تخنیک و کارته مأمورین گم کنید، بگذارید با خاطرات خوشی که از این محل داریم، به اقامت مان در این محل دوام دهیم. بکوشید برای باغ وحش تان جای دیگری بیابد چه بهتر در خارج از افغانستان و در آغوس باداران تان!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!